

واکاوی ادراک و تفسیر زنان متأهل تهرانی از حکم فقهی تمکین خاص

معصومه پای‌نژاد*، عبدالحسین کلانتری**، فریبا علاسوند لهبری***

چکیده

در چارچوب فقه اسلامی، تمتع جنسی زن و مرد تنها در قالب عقد ازدواج مشروع و با احکام شرعی تمکین، تکالیف و حقوق آنان تعریف شده است. در سال‌های اخیر و با تغییرات صورت گرفته به‌ویژه در کلان‌شهر تهران، زنان متأهل با چالش‌های ناشی از تلاقی انتظارات مدرن و سنتی و قرائت‌های متنوع از رابطه زناشویی و همراهی آن با ترویج تفکرات فردگرایی مواجه شده‌اند؛ که زنان را به بازنگری در نقش‌های خود سوق داده است. بر این اساس پژوهش حاضر با استفاده از روش کیفی و رویکرد پدیدارشناسی تفسیری و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، ادراک و تفسیر زنان متأهل و متشرع تهرانی از حکم فقهی تمکین (خاص) که به حوزه خصوصی و مهم رابطه زوجین یعنی رابطه جنسی می‌پردازد را مورد مطالعه قرار داده است. مشارکت‌کنندگان این پژوهش را ۲۰ نفر از زنان متأهل مسلمان تهرانی در محدوده سنی بین ۳۵ تا ۵۰ سال که حداقل ۵ سال از زندگی مشترک آنها می‌گذرد را تشکیل می‌دهند که با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. بر اساس یافته‌ها پنج مضمون استخراج شده شامل: «بازنمایی قدرت و کنترل»، «زیرساخت‌های فرهنگی و معرفتی»، «تجربه جنسی زنانه»، «تعارض نقش‌های زناشویی» و «توازن در مشارکت» نشان می‌دهند که تمکین درک‌شده، مفهومی چندلایه و پویاست که تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، دین‌باوری و روابط قدرت، شکل می‌گیرد و تجربه‌ای پیچیده از اطاعت محض، همدلی و مذاکره، نادیده‌انگاری زن، تدبیر تعامل با همسر و بازآفرینی رابطه را برای زنان رقم می‌زند.

واژگان کلیدی

تمکین خاص، امرجنسی، پدیدارشناسی، زناشویی، فلسفه ازدواج

*. دانشجوی دکتری مطالعات زنان دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (mapapinejad@gmail.com)

** استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (abkalantari@ut.ac.ir)

*** دانشیار پژوهشکده زن و خانواده، قم، ایران (نویسنده مسئول) (alavand@wrc.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

۱. مقدمه و بیان مسئله

بحث‌های مربوط به نکاح و زناشویی در میان همه اقوام مورد توجه بوده و پایه اصلی بسیاری از روابط اجتماعی را تشکیل می‌دهد و به همین دلیل در فقه اسلامی جایگاه مهمی دارد؛ مخصوصاً در عصر و زمان ما که مسائل مستحدثه فراوانی به سبب دگرگونی‌های روابط اجتماعی و آمیختن ملت‌ها با یکدیگر و نفوذ تشریفات و امور غیر اخلاقی، در این امر حیاتی پیدا شده، این بحث از اهمیت بیشتری برخوردار شده است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ج ۷، ص ۴).

تمکین خاص تکلیف زوجه در تامین نیاز جنسی زوج است. از منظر جامعه‌شناسی مناسک دینی، تمکین خاص نه تنها به عنوان یک وظیفه دینی و حقوقی تلقی می‌شود، بلکه به عنوان یکی از عناصر تعامل فرهنگی-اجتماعی در چارچوب خانواده و جامعه درک می‌شود. این مفهوم می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله هویت دینی، تفاوت‌های فرهنگی، سطح تحصیلات، موقعیت اقتصادی-اجتماعی و رسانه و شبکه‌های اجتماعی قرار گیرد.

نظرات و تجربیات قضات، وکلا و درمانگرهای^۱ خانواده نشان می‌دهد امروزه بخش قابل توجهی از مسائل و مشکلات خانوادگی به حوزه خصوصی رابطه زناشویی برمی‌گردد که دلیل عمده آن ناآگاهی و یا تفسیر غلط مسئله از سوی زوجین است. نتایج مطالعه زندگی ۳۱۴ نفر از متقاضیان طلاق مراجعه‌کننده به سه مجتمع قضایی خانواده نشان می‌دهد که ۵۷/۸ درصد شرکت‌کنندگان در پژوهش رابطه جنسی بد و متوسطی داشته، ۱۱ درصد به این سؤال پاسخ نداده‌اند و تنها ۳۱ درصد گفته‌اند که رابطه خوب یا عالی داشته‌اند؛ اگر چه از این یافته‌ها نباید برداشت کرد که این افراد لزوماً دچار مشکلات جنسی هستند، اما به قول دیوید اولسون رابطه جنسی مانند یک فشارسنج عاطفی عمل می‌کند بدین معنی که منعکس‌کننده رضایت زوجها از جنبه‌های دیگر رابطه‌شان است. به بیان دیگر، یک رابطه جنسی خوب غالباً نتیجه یک رابطه عاطفی مناسب بین زوجین است؛ بنابراین می‌توان گفت که زندگی جنسی زوجین نشان‌دهنده عمق روابط بین آنهاست (رضازاده و همکاران، ۱۳۹۷).

بررسی زندگی برخی زنان مراجعه‌کننده به مشاورین خانواده نیز نشان می‌دهد، ادامه رابطه‌ای که تأمین‌کننده لذت زن نیست، در طول زمان، انباشتگی خشم زن نسبت به مرد را به دنبال خواهد داشت؛ خشمی که ناشی از نادیده گرفته شدن و به چشم ابزار دیده شدن زن است. این خشم ممکن است در بسیاری از زنان به شکل انواع رفتارهای پرخاشگرانه و بی‌منطق بروز کند و

گاهی هم ممکن است جمع شود و زن را به نقطه انفجار برساند؛ جایی که دیگر آن زن به هیچ دلیل و منطقی نتواند خود را به ادامه زندگی مشترک راضی کند (رجبی، ۱۳۹۷).

از سوی دیگر تحولات فرهنگی، اجتماعی سال‌های اخیر در بحث اصالت لذت و فردگرایی منجر به ترویج مطالبه آزادی‌های فردی بدون چارچوب در زنان شده است که در امر جنسی در جامعه و در میان زوجین، تنش‌ها و چالش‌هایی را ایجاد نموده است.

تمکین در فقه اسلامی یعنی زوجه در استمتاع زوج بین خودش و همسرش هر زمانی که استمتاع جایز است هیچ مانعی اعم از کلامی و یا عملی ایجاد نکند (شهید ثانی، ۱۴۱۲: ۴۶۵).^۱ زمانی که زوجه قرارداد عقد زوجیت را در قلب خود قبول می‌کند و رضایتش را به زبان جاری می‌سازد، اثر پذیرش این عقد تمکین از زوج است. بدین نحو که اگر از نظر شرعی و عقلی مانعی وجود ندارد با بهانه‌های زبانی یا پرداختن به امورات منزل و یا کارهای شخصی درخواست همسرش برای رابطه جنسی را رد نکند.

تمکین در فقه قید خاصی ندارد. لذا در این پژوهش تنها به سبب اینکه قصد داریم ادراک زن متأهل مسلمان را از بخش خاصی از امر فقهی تمکین یعنی رابطه جنسی زوجین بررسی کنیم، از اصطلاح «تمکین خاص» که در تعاریف حقوقی و در کلام برخی فقهای معاصر^۲ برای حوزه رابطه جنسی زوج و زوجه به کار برده شده است، استفاده کرده‌ایم.

در تعیین حدود تمکین خاص آمده است که تمکین عند عدم العذر است، یعنی زوجه نه عذر شرعی (مثل عادت ماهانه) دارد و نه عذر عقلی و عرفی (مثل صغر و مرض). نکته قابل توجه این است که در تعیین حدود ممانعت عقلی و شرعی زوجه علاوه بر موانع شرعی و عقلی نباید مانع عرفی هم در میان باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ج ۷، ص ۱۷).

بنابراین با توجه به مباحث مطرح شده پیرامون اهمیت موضوع، محقق در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که: «درک و تفسیر زنان متأهل تهرانی از تمکین خاص چیست و چگونه این شناخت شکل می‌گیرد و چه عناصری بر این تجربه‌ها تأثیر می‌گذارد؟» تا به شناخت عمیق‌تر و واضح‌تری از نحوه تعامل زنان با احکام اسلامی، انتظارات آنها از فقها و جامعه دست یابیم و تأثیر این موارد بر زندگی آن‌ها را از منظر خودشان مورد واکاوی قرار دهیم. در واقع شناخت و چگونگی تبیین تحقق احکام فقهی در تجربیات واقعی زنان در حوزه تمکین مهم‌ترین هدف محقق در انجام این پژوهش است.

۱. آن تخیلی بینه و بین نفسها قولاً و فعلاً فی کل زمان و مکان یسوغ الإستمتاع فلو بذلت فی زمان دون زمان أو مکان کذالك.

۲. به عنوان مثال: آیت‌الله مکارم شیرازی در کتاب «النکاح».

۲. پیشینه پژوهش

مروری بر مطالعات پیشین درباره موضوع تمکین نشان می‌دهد که تاکنون پژوهش‌های فقهی و حقوقی متعددی درباره حدود تمکین انجام گرفته است که این امر بیانگر اهمیت و لزوم نیاز به شناخت درست از این موضوع است و همچنان ابعادی از این موضوع محل بحث و بررسی بین فقها و اساتید است. قنبرپور و نقیبی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «شرط عدم تمکین در عقد نکاح در فقه امامیه و اهل سنت» به بررسی حقوق ناشی از نکاح و حق تمکین پرداخته و مطرح می‌کنند که حقوق دانان و فقیهان در این موضوع که زوجین می‌توانند در ضمن عقد نکاح، شرط تغییر و یا تعدیل نمایند؛ پاسخ متفاوتی داده‌اند. اختلاف نظر آنان به مبنا و نگرش آن‌ها در تشخیص مقتضای ذات عقد نکاح بر می‌گردد.

در پژوهشی دیگر یارمحمدی (۱۳۹۳) به بررسی «حدود تمکین زوجه در فقه و حقوق و مسائل مستحدثه» پرداخته است، او مدعی است که یکی از علل بالا رفتن آمار طلاق، مشخص و معین نبودن وظایف هر یک از زن و شوهر است که زمینه فروپاشی زندگی را فراهم می‌نماید. او نشان می‌دهد که از اثرات فهم حدود تمکین، تحکیم خانواده است و با مشخص شدن حدود آن از دیدگاه حقوق دانان و فقهای متقدم، متأخر و معاصر، می‌توان به حقوق و وظایف زوجین پی برد که این محدوده در فقه و قانون ایران مورد توجه قرار گرفته است.

محمدی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تمکین؛ قدرت زنان یا خشونت مردان» به بررسی حکم شرعی تمکین پرداخته است. نتایج پژوهش او نشان می‌دهد که زوج و زوجه هیچ کدام حق اجبار و تحکم طرف مقابل خود را در تمکین ندارند. لذا عدم اجبار زوج و زوجه بر این امر نشان از این دارد که تحکم در این مورد خشونتی غیرمجاز است.

در یکی از پژوهش‌هایی که بیشترین قرابت را با تحقیق حاضر دارد غیاثوند و اسدی (۱۳۹۸) در بخشی از پژوهش خود با عنوان «روایت زنان متأهل شهر کرمانشاه از تداوم زندگی زناشویی» به بررسی روابط جنسی زنان مشارکت‌کننده در پژوهش می‌پردازند؛ اما در این پژوهش نیز بررسی تجربه رابطه جنسی زنان مورد مطالعه، تنها از منظر جمع بندی بخشی از روایت این زنان از زندگی زناشویی مورد توجه قرار گرفته است و موضوع اصلی محقق نبوده است.

مروری بر مطالعات صورت گرفته در خصوص موضوع تمکین حاکی است که با آن که مطالعات زیادی در شناخت حدود و ثغور فقهی و حقوقی تمکین انجام شده است، اما در خصوص ادراک زوج و زوجه از این امر فقهی و عملکرد آن در خانواده، تاکنون پژوهش تخصصی و مبتنی بر تجربه زیسته آنان صورت نپذیرفته است.

۳. ملاحظات نظری

در بررسی‌های کیفی به جای استفاده از چارچوب نظری جهت تدوین و آزمون فرضیات، از چارچوب مفهومی جهت استخراج سؤالات تحقیق استفاده می‌شود. چارچوب مفهومی مجموعه‌ی مفاهیم به هم مرتبطی است که بر مفاهیم و تم‌های عمده مورد مطالعه تمرکز دارد و آن‌ها را در قالب یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند می‌دهد (بوستانی و محمدپور، ۱۳۸۸). لذا در این بخش تلاش می‌شود تا با مروری بر نظریات جامعه‌شناسی، روان‌شناختی و فقهی مرتبط با نقش مناسک دینی، ازدواج و رابطه جنسی در زندگی، مقتضیات عقد نکاح، عرفی شدن دین و فلسفه ازدواج در اسلام؛ سؤالات پژوهش و یافته‌های آن در راستای کسب آگاهی از ادراک زنان از حکم فقهی تمکین در مسیر درست هدایت شود.

به اعتقاد همیلتون در جامعه‌شناسی دین، دو مضمون یا مسئله اصلی و کانونی وجود دارد: یکی این که چرا باورداشته‌ها و عملکردهای مذهبی، نقش تعیین‌کننده‌ای در فرهنگ و جامعه دارند و دیگر این که چرا این باورداشته‌ها و عملکردها، صورت‌های گوناگونی به خود گرفته‌اند (همیلتون، ۱۳۸۹: ۱۰-۹)؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت که «مناسک و رفتارهای دینی» یکی از اساسی‌ترین ابعاد دین است (آزادارمکی و گزلی زاده، ۱۳۹۱: ۱۴-۱۳).

به نظر دورکیم پدیده‌های دینی به طور عمده به دو مقوله باورها و مناسک تقسیم می‌شوند. او استدلال می‌کند که دین در خود هم احساس و رفتار دارد و هم شیوه تفکر، بنابراین نقشی که دین در جامعه بر عهده دارد و نیز تأثیر آن در جامعه، به میزان تعهد و پایبندی افراد آن جامعه بستگی دارد که یکی از راه‌های سنجش آن میزان تحقیق در عقاید، شناخت و مناسک دینی موجود است (همان: ۱۸-۱۳).

گیدنز روابط شخصی دوستی یا صمیمیت جنسی را به عنوان وسیله تثبیت پیوندهای اجتماعی به عنوان یکی از محیط‌های اعتماد آمیز (گیدنز، ۱۹۹۰: ۱۲۳) مطرح می‌کند. از نگاه گیدنز مدرنیته موجبات «تغییر شکل صمیمیت» و شکل جدیدی از روابط شخصی و دوستی را فراهم آورده است، به نحوی که می‌گوید: در حوزه زندگی شخصی، هر چه جامعه پسانستی توسعه بیشتری می‌یابد، حرکت به سوی آنچه می‌توان آن را رابطه ناب در روابط جنسی، زناشویی و خانواده نامید سرعت بیشتری می‌گیرد. او رابطه ناب را نوعی رابطه اجتماعی برابر و خود مرجع می‌داند که منحصراً وابسته به احساس رضایت یا پاداش مشخصی است که از خود همان رابطه حاصل می‌شود (جلاتی‌پور و گرامیان نیک، ۱۳۹۰).

فریود روانشناس معروف، منشأ فعالیت‌های روانی انسان را تمایل جنسی معرفی می‌کند. به اعتقاد فریود، «انگیزش اساسی رفتار انسان، ماهیت جنسی دارد؛ به عبارت دیگر، انسان موجودی لذت طلب است. از سوی دیگر، محدودیت‌های عرف حاکم بر جوامع، مانعی بر سر راه میل لذت طلبی انسان است» (شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۳۸۵: ۴۰).

در تفکر و مکتب «اصالت لذت» که برگرفته از نظریات متفکرین غربی در جامعه غرب حاکم شده است، هر کاری که ملایم طبع انسان است و برای ما ایجاد «لذت» می‌کند، خوب و خیر است و هر کاری که با طبع ما منافز است و موجب الم می‌شود بد و شر است (سبحانی، ۱۳۷۹). از این‌رو است که اکنون در غرب حدود ازدواج و رابطه جنسی را بیش از هر ضابطه‌ای، لذت فردی تعیین می‌کند.

اما در دین اسلام یکی از مسلمات، خصوصاً از نظر شیعیان این است که احکام شرعی تابع و منبعث از یک سلسله مصالح و مفاسد واقعی است؛ یعنی هر امر شرعی به علت یک مصلحت لازم الاستیفاء است و هر نهی شرعی ناشی از یک مفسده واجب الاحتراز است. خداوند متعال برای اینکه بشر را به یک سلسله مصالح واقعی که سعادت او در آن است برساند یک سلسله امور را واجب یا مستحب کرده است (مطهری، ۱۳۵۸: ج ۳، ص ۵۱).

در این دیدگاه از جمله علل ازدواج، تأمین آرامش و سکون است. خداوند حکیم خلقت زوجی از جنس خود انسان را از آیات و نشانه‌های خود می‌داند و می‌فرماید: «و از آیات خداوندی است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یابید و میان شما عشق و محبت و مهربانی قرار داد که در این حقیقت نشانه‌هایی از خداست برای مردمی که در گردونه اندیشه و فکر نسبت به حقایق به سر می‌برند» (روم: ۲۱).

نکاح از مستحبات مؤکد دینی است و آنچه در تشویق بر آن و در مذمت بر ترک آن وارد شده از نظر کثرت، قابل شمارش نیست (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ج ۲، ۲۲۵). در روایات سفارش بسیاری به این امر شده است و پیامبر اسلام ازدواج را سنت خویش قرار داده و ترک آن را خروج از دایره‌ی سنت نبوی بیان فرموده‌اند: «النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰۳، ص ۲۲۰).

نکاح از نظر احتیاج به ایجاب و قبول و وجوب مهر و نفقه در مقابل تمکین زوجه، نوعی عقد معاوضه و معامله شمرده می‌شود و به اعتبار اینکه شارع به آن امر و تأکید کرده و در حدیث نبوی از آن به «سنت» تعبیر شده عبادت محسوب می‌شود و در صورت فعل آن به قصد امتثال، اجر و ثواب بر آن مترتب می‌شود (نجفی، جواهر کلام: ۲۹، ۲۳- خویی، کتاب النکاح: ۱، ۹- شبیری زنجانی، کتاب النکاح: ۱، ۱).

لکن در بحث مقتضای عقد نکاح الزام رابطه جنسی و یا صرف علقه زوجیت مطرح است، امام خمینی (ره) شرط عدم رابطه جنسی در ضمن عقد نکاح را پذیرفته‌اند. استدلال ایشان بر جواز چنین شرطی این است که انگیزه‌های جنسی، تنها هدف و حکمت ازدواج نیست، بلکه اغراض عقلایی و عرفی فراوانی در نکاح مترتب است که تحقق هر یک می‌تواند مصحح عقد نکاح باشد (موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ج ۵، ص ۲۸۲).

در مجموع از کلام فقها چنین به دست می‌آید که شرط عدم استمتاع در ضمن عقد نکاح، وقتی باطل است که منظور از عدم استمتاع این باشد که حتی او را نگاه هم نکند (انصاری، ۱۴۲۰: ج ۶، ص ۴۵)^۱ و مقتضای ذات عقد نکاح علقه زوجیت است (ثمنی، مهریزی و فتاح، ۱۳۹۶)؛ یعنی نداشتن رابطه جنسی عقد نکاح را دچار خلل نمی‌کند.

از آنجایی که رابطه بین زوجین بسیار متأثر از جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنند، توجه به عرف در فقه اسلامی حائز اهمیت است.

مراجعه به عرف و سیره عقلا به عنوان یکی از ابزارهای دآوری و قضاوت در محاکم است که می‌تواند در استنباط حکم شرعی به فقیه مدد رساند؛ اما اهمیت موضوع آنجاست که رجوع به عرف در تعیین مصادیق یا حدود یک حکم شرعی با قرار گرفتن تفکر و رفتار عرفی در جایگاه حکم شرعی کاملاً متفاوت است و بی‌توجهی به این امر و تعریف احکام بر اساس تمایلات فردی و اجتماعی که از مبانی فکری غیر الهی سرچشمه می‌گیرند خطر دین زدایی و سکولاریزه شدن جامعه را به دنبال خواهد داشت (همتی، ۱۳۷۵).

«عرفی شدن فقه و دین» که امروزه مطرح می‌شود، مفهومی متفاوت از مراجعه به عرف در معنای فقهی است، این ایده نباید با عرف‌گرایی مطلق که مبتنی بر «شیفتگی و مطلق‌سازی» است، اشتباه گرفته شود، بلکه باید بر اساس اصول عقلایی و تجویزات دینی باشد. در واقع، اسلام از ابتدا معارف عقلانی داشته و نیازی به عقلانی‌سازی باورها نیست، زیرا همواره بر تفکر و تعقل دعوت

۱. (عدم الاستمتاع أصلاً بالزوجة حتى النظر و نحو ذلك).

کرده است. به علاوه، عرفی کردن دین به معنای نفی نقش آن در اجتماع و محدود کردن آن به امور فردی، با آموزه‌های اسلامی در تضاد است، اسلام ضمن تأکید بر عقلانیت، قلمرو امور غیبی را فراتر از درک عقل بشری می‌داند، اما این امور با عقل سلیم منافاتی ندارند (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۳). با مروری بر مباحث و نظریات مرتبط در حوزه ازدواج و تمکین از منظر مباحث دینی و عرفی می‌توان گفت تمکین خاص به عنوان یک مناسک دینی در کوچک‌ترین واحد اجتماعی یعنی تعامل دو نفره زوج در کانون خانواده محقق می‌شود که به نظر می‌رسد به دلیل خصوصی بودن حریم آن کمتر به مطالعه و تبیین ابعاد فردی و اجتماعی آن پرداخته شده است، اما به دلیل گسترش سبک زندگی غربی و تفکرات اصالت لذت در جامعه و افزایش حضور زنان در اجتماع و تعاملات زن و مرد و به تبع آن توسعه روابط عاطفی و جنسی، حریم خصوصی رابطه زناشویی زوجین دستخوش تحولاتی شده است که نیاز به مطالعه و واکاوی این حکم شرعی از بعد جامعه‌شناختی و از منظر تجربه زیست خود زنان متأهل ضروری می‌سازد.

۴. روش پژوهش

این پژوهش، با روش کیفی و رویکرد پدیدارشناسی تفسیری به مطالعه‌ی ادراک و تفسیر زنان متأهل تهرانی از حکم فقهی تمکین خاص پرداخته است. تحلیل پدیدارشناختی تفسیری^۱ رویکردی است که به کاوش دقیق معنای شخصی و تجربه زیسته اختصاص دارد. به طور خاص، هدف این است که به تفصیل بررسی کند که مشارکت‌کنندگان در پژوهش چگونه دنیای شخصی و اجتماعی خود را درک می‌کنند (Smith & et al:25).

در فرآیند این روش محقق به گردآوری داده‌ها از اشخاصی که تجربه آن موضوع را دارند و به بسط و ترکیبی توصیفی از جوهره و ماهیت این تجربه می‌پردازد. که این توصیف شامل دو پرسش می‌شود: چه چیزی^۲ و چگونه^۳ تجربه شده است (Moustakas & et al:32).

در پژوهش حاضر برای مدیریت و تحلیل داده‌ها از پدیدارشناسی تفسیری و مراحل توصیه‌شده در آن استفاده شده است و هم‌زمان با گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها به شکل هم‌زمان نیز انجام شد. در کدگذاری داده‌ها نیز از مدل اسمیت شامل شش مرحله ۱- خواندن و دوباره خوانی، ۲- یادداشت‌برداری اولیه، ۳- بسط مضمون‌های نوظهور (نمایان شونده)، ۴- جستجوی

1. Interpretive phenomenological analysis.

2. what

3. how

اتصالات و روابط بین تم‌ها، ۵- تحلیل مورد بعدی (مشارکت‌کننده بعدی) و ۶- جست‌وجوی الگو در میان نمونه‌ها استفاده شده است (Smith & et al:82-101).

انتخاب مشارکت‌کنندگان با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند انجام شد و از آنجا که با توجه به آمارهای ثبت شده در سامانه ثبت‌احوال و مرکز آمار ایران مبنی بر اینکه، بیش از ۵۰ درصد طلاق‌ها در ۵ سال اول و خصوصاً در سال اول زندگی مشترک بوده است و با توجه به تحولات اجتماعی در ۱۰ سال اخیر در سبک زندگی خانواده‌ها، تلاش شد به منظور کشف داده‌های معتبر، مشارکت‌کنندگان از بین زوجینی انتخاب شوند که احتمال پایداری در زندگی آنها بیشتر است. بنابراین این پژوهش در بین زنان متأهل مسلمان تهرانی که در محدوده سنی بین ۳۵ تا ۵۰ سال بودند و حداقل ۵ سال از زندگی مشترک آنها گذشته بود، انجام شد. برای غنای بیشتر یافته‌ها نیز، به صورت هدفمند تلاش شد که زنان با مشاغل و تحصیلات مختلف در پژوهش شرکت داشته باشند که در نهایت بعد از مصاحبه با ۲۰ نفر یافته‌ها به اشباع نظری رسید و ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته بود.

جدول ۱. توصیف کلی مشارکت‌کنندگان

ردیف	نام	سن	مدت ازدواج	فرزند	تحصیلات	وضعیت اشتغال
۱	شهلا	۴۰	۶	۲	ارشد	خانه‌دار
۲	عاطفه	۳۷	۱۳	۱	ارشد	شاغل
۳	شهره	۴۹	۲۹	۲	کارشناسی	شاغل
۴	سارا	۳۶	۷	۱	ارشد	خانه‌دار
۵	فرحناز	۵۰	۲۸	۲	کارشناسی	شاغل
۶	آزیتا	۴۹	۱۳	۱	کارشناسی	شاغل
۷	مریم	۴۲	۸	۱	ارشد	خانه‌دار
۸	زهرة	۳۹	۹	۲	ارشد	خانه‌دار
۹	نیره	۴۵	۲۵	۱	کارشناسی	خانه‌دار

ردیف	نام	سن	مدت ازدواج	فرزند	تحصیلات	وضعیت اشتغال
۱۰	رؤیا	۴۱	۱۸	۲	ارشد	شاغل
۱۱	سهیلا	۴۰	۸	ندارد	ارشد	خانه‌دار
۱۲	سوسن	۴۵	۲۰	۱	دیپلم	خانه‌دار
۱۳	فرانک	۳۷	۱۷	۲	دیپلم	شاغل
۱۴	سودابه	۳۸	۶	ندارد	ارشد	شاغل
۱۵	ستاره	۳۹	۱۴	۳	کارشناسی	پاره‌وقت
۱۶	بهار	۳۸	۱۹	۳	ارشد	پاره‌وقت
۱۷	شیوا	۴۲	۱۱	۱	دکتر	شاغل
۱۸	زیور	۴۵	۱۸	۱	دکتر	شاغل
۱۹	ریحانه	۴۶	۱۲	۲	دیپلم	شاغل
۲۰	زیبا	۵۰	۲۸	۲	دیپلم	خانه‌دار

در تعیین روایی پژوهش از روش مثلث‌سازی^۱ استفاده شد. در تکنیک مثلث‌سازی، سؤالات از زوایای مختلف طرح شده که توسط اساتید مرتبط این حوزه مورد ارزیابی قرار گرفت و بر اساس تحلیل‌های به دست آمده از پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان، داده‌های نهایی جهت کدگذاری انتخاب شدند. برای تعیین قابلیت اطمینان نیز از توافق بین کدگذاران استفاده شد.

۵. یافته‌های پژوهش

پس از پیاده کردن متن مصاحبه‌ها، ۷۹ جمله معنادار از متن مصاحبه‌ها استخراج و پس از بازخوانی مکرر جملات معنا دارد، کدگذاری آنها انجام شد، در ادامه کدهای دارای مفاهیم نزدیک در مضامین فرعی و اصلی دسته‌بندی شدند که نتایج آن در ۵ مضمون اصلی و ۱۵ مضمون فرعی جمع‌بندی و استخراج شدند که در ادامه آمده است.

1. Triangulation

جدول ۲. مضامین اصلی و فرعی

مضمون (تم) اصلی	مضمون (تم) فرعی
بازنمایی قدرت و کنترل در تمکین	کشف چیستی و محدوده‌های اطاعت زناشویی
	حق مردان در گستره تمکین
	پویایی قدرت و وابستگی
زیرساخت‌های فرهنگی و معرفتی تمکین	یادگیری غیررسمی از منابع فرهنگی و رسانه‌ای
	انتقال بین نسلی تجربه تمکین عرفی
	پیش‌فرض‌های فرهنگی
	خلأ معرفتی در فهم تمکین
تجربه زیسته زن در مناسبات جنسی	نادیده انگاری زن
	اجبار عاطفی و ترس اخلاقی
	زیرساخت صمیمیت
	پیامدهای مثبت تمکین (لذت و بهسازی خود)
تعارض نقش‌های زناشویی و بار مضاعف	محدودیت‌های محیطی و فیزیولوژیکی در تمکین
	چندوظیفگی مادرانه - شغلی و فشار تمکین
توازن در مشارکت زناشویی	مبادله حقوق و تکالیف جنسی - مالی
	هم‌افزایی عاطفی و توازن نیازها

۵-۱. بازنمایی قدرت و کنترل در تمکین

سازوکارهای قدرت در رابطه زناشویی در مفهوم تمکین به گونه‌ای نمود پیدا می‌کنند که فراتر از یک کنش جنسی ساده، نمادی از سلطه، مشروعیت‌بخشی و بازتولید نابرابری قدرت در زندگی مشترک به حساب می‌آیند. در ادامه، ۳ مضمون فرعی وابسته به این محور تحلیل و آمده است.

۵-۱-۱. کشف چیستی و محدوده‌های اطاعت زناشویی

مصاحبه‌شوندگان در تلاش برای تعریف شخصی تمکین، به تجربه‌هایی اشاره می‌کنند که در آن مرزهای اطاعت زناشویی به صورت ناهمسان شکل گرفته‌اند. این تجربه‌ها اغلب در مواجهه با خواسته‌های همسر، برداشت‌های دینی یا عرفی و تضاد درونی بین خواسته‌ها و بایدها شکل می‌گیرند.

برخی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش بر این باور بودند که تمکین به معنای اجازه گرفتن و رضایت از همسر در تمام امور زندگی است؛ برخی از آن‌ها نیز به این نکته اذعان داشتند که اگرچه در عمل شاید برای اجرای تصمیم‌های خود از همسر اجازه نگیرند اما می‌دانند که تمکین به معنای کسب اجازه از همسر در تمام عرصه‌هاست. نیره ۴۵ ساله دارای تحصیلات کارشناسی در این زمینه می‌گوید:

«ما در خانواده یاد گرفتیم که پدر تصمیم‌گیرنده است و بعداً در ازدواج هم مادرم نصیحت می‌کرد که در تمام کارها باید از همسرم اجازه بگیرم البته همسرم هم طوری رفتار می‌کرد که من در تمام کارها خودم را مجبور می‌دیدم و وظیفه خودم می‌دونستم از او برای هر کاری اجازه بگیرم».

اما این اطاعت در تمام امور، تمکین به معنای اطاعت مطلق نیست و در امور مرتبط با مسائل شرعی مردان نمی‌توانند زنان را مجبور به انجام کاری کنند؛ سارا در این باره می‌گوید:

«اگه همسرم در مورد حجاب یا نماز خوندن و مسائل این طوری بخاد نظر منفی بده قطعاً من به حرفش گوش نمیدم و مطمئنم درستش هم همین».

عده دیگری از زنان مورد مطالعه تمکین را در اطاعت از همسرشان در تأمین نیاز جنسی می‌دانستند. شهلا ۴۰ ساله و دارای تحصیلات کارشناسی ارشد که آشنایی نسبی با مفهوم تمکین خاص داشت می‌گوید:

«بیشتر این اصطلاح را در مورد رابطه جنسی و رفع نیاز مرد توسط زن شنیدم ولی فکر می‌کنم به این مورد اختصاص نداشته باشه».

برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان در پژوهش از تمکین خاص تعبیری در خصوص اجازه خروج از منزل و اطاعت در مسائل جنسی داشتند و برداشت آن‌ها این بود که تمکین خاص در این موارد است. سوادیه ۳۸ ساله دارای تحصیلات کارشناسی ارشد در تعریف تمکین می‌گوید:

«فکر می‌کنم تمکین به این معناست که زن باید در رابطه زناشویی خواسته‌های همسرش را تمکین کنه یعنی هر زمان و هر ساعتی که همسرش خواست زن باید در اختیار شوهرش باشه».

فرحناز ۵۰ ساله دارای تحصیلات کارشناسی در این باره می‌گوید:

«تمکین اطاعت از همسر در خروج از منزل و تأمین موضوع جنسی هست. البته همسر من این‌طور نیست که زور بگه ما در بیشتر کارها با هم تفاهم داریم و تمکین برای من امر اجباری نیست».

۵-۱-۲. حق مردانه در گستره تمکین

تجربه زنان مورد مطالعه از شنیده‌های مذهبی و اجتماعی‌شان از تمکین این است که تمکین در بسیاری از روایت‌ها به عنوان یک «حق مردانه» تلقی شده که زن باید آن را بپذیرد. این نگرش ریشه در هنجارهای نابرابر جنسیتی دارد که تمکین را امتداد وظیفه زنانه و قدرت مردانه قلمداد می‌کنند. زهره ۳۹ ساله، دارای تحصیلات حوزوی و دانشگاهی و خانه‌دار با اشاره به مشکلات زندگی زناشویی که سال‌ها با آن درگیر بوده است بیان می‌کند:

«نمی‌دونم خودم هم خیلی درگیر این مسئله هستم که چرا تمکین و در واقع رابطه جنسی یک تکلیف برای زن هست و به نیاز زن خیلی توجه نشده، در زندگی زناشویی واقعاً سختی کشیدم».

۵-۱-۳. پویایی قدرت و وابستگی در رابطه زناشویی

اما از سوی دیگر زنانی که تجربه مطلوبی از تمکین برای خودشان ساخته بودند، تمکین را به عنوان راهبردی برای موازنه قدرت بین زوجین مطرح می‌کنند. ستاره که با نگاهی کاملاً متفاوت به این تعامل زوجین می‌نگرد، درباره تکلیف شرعی تمکین و تأمین جنسی زوج توسط همسرش می‌گوید:

«به نظر من علاقه متقابل، دوست داری که یک امکانی را در اختیار همسرت قرار بدهی که او به آن نیاز دارد در ذهن من این هست که دو نفر زندگی می‌کنند، نیاز دارند به هم خدمات بدهند وظایف زن و وظایف مرد، خب مرد وظایفی داره مثل کار کردن و تأمین خرج و مخارج زندگی و زن هم وظیفه‌ای داره».

۲-۵. زیرساخت‌های فرهنگی و معرفتی تمکین

خاستگاه‌های اجتماعی و معرفتی که زنان بر اساس آن مفهوم تمکین را در زندگی زناشویی فهم و تجربه کرده‌اند، نمایانگر تأثیر محیط‌های فرهنگی، رسانه‌ای و خانوادگی در شکل‌گیری این درک و فراهم‌آوری یا ممانعت از بازاندیشی هستند.

۱-۲-۵. یادگیری غیررسمی از منابع فرهنگی و رسانه‌ای

زنان در فرآیند شکل‌گیری درک اولیه از تمکین، غالباً با منابع غیررسمی مانند سریال‌های تلویزیونی، فضای مجازی یا گفته‌های کارشناسان مواجه بوده‌اند. این نوع یادگیری ضمن انتقال عرف‌های رایج، محدودیت‌هایی در انتقال مفاهیم شرعی ایجاد کرده است؛ بدین معنا که این روایت از حکم شرعی روایت مادران، خویشاوندی و رسانه‌ای است و همان‌طور که مشاهده می‌شود با مفهوم واقعی فاصله دارد. شهلا ۴۰ ساله و دارای تحصیلات کارشناسی ارشد در پاسخ به سؤال آشنایی با تمکین و تمکین خاص می‌گوید:

«بله شنیدم، این اطلاعات را از کارشناسان رادیو و تلویزیون گرفتم و همچنین برخی روایات اسلامی».

رؤیا ۴۲ ساله و دارای تحصیلات کارشناسی ارشد هم می‌گوید:

«در دادگاه‌های زناشویی در سریال‌ها و فیلم‌ها که می‌پرسند، تمکین می‌شوی یا نمی‌شوی این موضوع رو شنیدم و به نظر خودم تمکین رضایت و آرامشی هست که زن از مرد یا مرد از زن می‌طلبه».

۲-۲-۵. انتقال بین نسلی تجربه‌ی تمکین عرفی

در تجربه‌ی بسیاری از مشارکت‌کنندگان، تمکین به‌واسطه‌ی مشاهده اطاعت زنان نسل قبل مادران، خاله‌ها، زنان فامیل فرا گرفته شده است. این انتقال میان نسلی، تمکین را به عنوان یک عرف «طبیعی شده» تثبیت کرده و امکان بازاندیشی را کاهش داده است.

شهره ۴۹ ساله و دارای تحصیلات کارشناسی از یک خانواده سنتی است و در تعریفش از احترام به پدر در خانواده و رفتارهای مادر یک اطاعت محض زن از مرد به چشم می‌خورد:

«زمان ما که فضای مجازی نبود ما در خانواده رفتار مادر با پدر و خواهرانمون و زنان فامیل را با همسرانشون می‌دیدیم و همان را در زندگی به کار می‌بستیم، وقتی صدای ماشین پدر می‌اومد مادر سفره را پهن می‌کرد و اولین بشقاب غذا را برای پدر می‌کشید».

فرانک ۳۷ ساله و دارای تحصیلات دیپلم، ۱۶ سال است که ازدواج کرده درباره اینکه تمکین را از چه منبعی آموخته می‌گوید:

«مادرها گفتند، زنان اطرافمون این‌طور رفتار می‌کنند، از قبل بوده، کتابی بخوانم نبوده، در خانواده یاد گرفتیم».

۳-۲-۵. پیش‌فرض‌های فرهنگی درباره تمکین

برخی از اظهارنظرها حاکی از سلطه پیش‌فرض‌هایی‌اند که نه تنها طرح نیاز جنسی زن را سرکوب می‌کنند، بلکه در مکان‌مندی و زمان‌مندی رابطه جنسی نیز محدودیت‌های فرهنگی را تثبیت کرده‌اند. این پیش‌فرض‌ها اغلب تجربه زنان از تمکین را در تقاطع فشار و قضاوت قرار داده‌اند. درباره عرف قابل قبول جامعه درباره مردانه بودن نیاز جنسی آریتا ۴۹ ساله دارای یک فرزند بر اساس شنیده‌های عرفی حس می‌کند تمکین یک رابطه یک‌طرفه و به نفع مرد است و در بیان فهمش می‌گوید:

«زن هم می‌تونه نیاز داشته باشه ولی خیلی مواقع زن‌ها حیا می‌کنند، مرد اگر نیاز داشته باشه می‌گه، اما زن نمی‌گه و نباید بگه».

۴-۲-۵. خلأهای معرفتی در تمکین

در بخش قابل توجهی از مصاحبه‌ها، زنان از نبود آموزش رسمی، شفاف و علمی درباره مفهوم تمکین، حکمت‌های آن و تبعات شرعی‌اش صحبت کرده‌اند. فقدان این آموزش موجب شده تجربه تمکین در بزنگاه‌های دشوار (مانند دعوا، دادگاه، یا دوران عقد) به جای فهم‌پذیری، در قالب اطاعت صرف یا اجبار بازنمایی شود.

سهیلا ۴۰ ساله و دارای تحصیلات حوزوی بیان می‌کند:

«آموزش‌ها خیلی محدود و در لفافه هست حتی آموزش‌های طهارت و غسل رو شما ببینید. من خودم هم اگر در حوزه با تمکین آشنا نشده بودم شاید یا نمی‌دونستم یا اطلاعاتم از منابع اینترنتی و غلط بود».

شیوا ۴۲ ساله که ۱۱ سال از ازدواجش می‌گذرد و یک فرزند دارد در این باره می‌گوید:
«ببینید شما داری درباره تمکین که یک تکلیف شرعی هست سؤال می‌کنید من سؤال اینه که چه زن چه مرد بهتره بگم چه دختر چه پسر تو درس و مدرسه و دانشگاه همین دستور و تکلیف شرعی رو کجا یاد می‌گیرند».

از سوی دیگر بخشی از زنان مورد مطالعه در کنار سؤالاتی که در چرایی و چگونگی تمکین برایشان مطرح است، دیدگاه متعالی نسبت به این امر دارند که روایت غالب در بین زنان نیست:
سهیلا ۴۰ ساله دارای تحصیلات حوزوی در این باره می‌گوید:

«در روایات داریم که زن نیاز جنسیتش ده برابر مرد هست اما صبر و تحملش هم به همین اندازه بیشتر از مرده و شاید به خاطر همین تأمین نیاز جنسی مرد وظیفه زن باشه و شاید پاداش صبر و تحمل زن باعث رشد و تکامل زن بشه».

زیور ۴۵ ساله و دارای تحصیلات دکترا می‌گوید:

«از یک جهت از اطاعات دستور خدا و بندگی هست که باعث رشد زن می‌شه از طرف دیگه همین آموزش دیدن و تلاش برای اینکه زن و مرد رابطه شون رو اصلاح کنند و رضایت همدیگه رو به دست بیارن باعث میشه هر دو بیشتر تکامل پیدا کنند همین‌که زن و مرد مکمل هم میشن و قرار نیست مشابه هم باشن».

۳-۵. تجربه زیسته زن در مناسبات جنسی

روایت‌های زنان از رابطه جنسی بازتاب‌دهنده تجربه‌ای چندوجهی است؛ از یک‌سو نیازها و خواسته‌هایشان گاه نادیده گرفته می‌شود، از سوی دیگر تحت‌فشارهای عاطفی و اخلاقی قرار می‌گیرند. در کنار این دو لایه، برخی از آن‌ها از وجود بستر صمیمیت و گفت‌وگوی صادقانه سخن می‌گویند و برخی دیگر ظرفیت لذت و خودشناسی را تجربه می‌کنند. یافته‌های این پژوهش چهار بعد نادیده‌انگاری، اجبار عاطفی و ترس اخلاقی، زیرساخت صمیمیت و پیامدهای مثبت تمکین را به‌عنوان وجوه اصلی درک زنان از رابطه زناشویی شناسایی کرده است.

۵-۳-۱. نادیده‌انگاری زن در رابطه جنسی

شرکت‌کنندگان از تجربه‌ای سخن گفته‌اند که زن به مثابه ابژه لذت مرد دیده می‌شود و اراده یا خواست او در اولویت قرار نمی‌گیرد. این بی‌توجهی نه تنها به سرخوردگی احساسات فردی زن و بی‌اعتمادی به دستورات شرعی منجر می‌شود، بلکه کیفیت ارتباط عاطفی را نیز آسیب‌پذیر می‌کند. عاطفه ۳۷ ساله، درباره عدم توجه زوج به حالات روحی زوجه در رابطه جنسی می‌گوید:

«پیش‌اومده که از لحاظ روحی یا جسمی آمادگی نداشتم و همسرم تقاضا داشته و من به لحاظ تکلیف شرعی موافقت کردم اما خودم تمایل نداشتم و دلخور بودم».

۵-۳-۲. اجبار عاطفی و ترس اخلاقی

فشار برای پذیرش تمکین در مواردی فراتر از خواست واقعی زن صورت می‌گیرد. گاهی ترس از گناه در عدم انجام وظیفه شرعی و یا نگرانی از تأمین جنسی همسر در خارج از چارچوب خانواده تنها دلایلی هستند که مشارکت‌کننده در حالات نامساعد روحی خود را مجبور به تن دادن به رابطه می‌داند. این اجبار عاطفی، با ایجاد ترس اخلاقی از «زن بد» شناخته شدن، رضایت و امنیت روانی را مخدوش کرده است.

۵-۳-۳. زیرساخت صمیمیت

برخی زنان نقطه‌ای را تجربه کرده‌اند که تمکین با صمیمیت و نزدیکی عاطفی هم‌پوشانی دارد. در این موقعیت، فضایی از اعتماد، گفت‌وگو و همدلی شکل گرفته که زن می‌تواند با رضایت و آگاهی میل خود را بروز دهد. چنین زیرساختی، امکان تقویت رابطه جنسی و ارتقای کیفیت زندگی مشترک را فراهم می‌آورد. رؤیا ۴۱ ساله در این باره می‌گوید:

«اولین بار همسرم به من جزئیات رابطه رو توضیح داد... درخواست بوده اما هیچ‌وقت اجبار نبوده. مثلاً هر وقت درخواست داره و من شرایطش رو ندارم اون هم عقب نشینی می‌کنه و ناراحت هم نمی‌شه».

۵-۳-۴. پیامدهای مثبت تمکین

علاوه بر چالش‌ها، برخی شرکت‌کنندگان از جنبه‌های مثبت تمکین نظیر تجربه لذت، کشف ابعاد تازه‌ای از بدن و روان و تقویت احساس ارزشمندی از طریق ارضای نیازهای جنسی نیز می‌گویند. این درک مثبت زمانی شکل می‌گیرد که تمکین در بستری دوجانبه رخ دهد. ستاره در رابطه با داشتن رابطه جنسی زمان خستگی ناشی از کار یا رسیدگی به فرزندان می‌گوید:

«بله پیش اومده که خسته بودم اما به خاطر علاقه‌ای که به همسرم دارم و وظیفه شرعی قبول کردم و پیش اومده که منم نیاز داشتم همسرم علی‌رغم خستگی کار همراهی کرده».

۴-۵. تعارض نقش‌های زناشویی و بار مضاعف

در تحلیل مصاحبه‌ها روشن شد که زنان هم‌زمان با ایفای نقش همسری موظف به انجام وظایف متعددی در حوزه مادرانه، خانه‌داری و اشتغال هستند که به صورت یک «بار مضاعف روانی-جسمی» بر آن‌ها تحمیل می‌شود. این تعارض نقشی نه تنها منابع انرژی فرد را با کاهش شدید مواجه می‌کند بلکه آمادگی عاطفی و جسمی برای تمکین را نیز به طرز محسوسی کاهش می‌دهد.

۴-۵-۱. محدودیت‌های محیطی و فیزیولوژیکی در تمکین

مشارکت‌کنندگان این پژوهش بر اساس تجربه خود اذعان می‌دارند که حضور فرزندان و محدود شدن فضای خصوصی در کنار مشکلات جسمی مانند دردهای قاعدگی، بارداری، خستگی زوجین از کار روزانه و تغییرات فیزیولوژیکی نه تنها فرصت لازم برای برقراری صمیمیت را محدود می‌کند، بلکه توان ذهنی و جسمی آن‌ها را برای ورود به رابطه جنسی کاهش می‌دهد. این موانع هم‌زمان به احساس ناتوانی در کنترل موقعیت و کاهش انگیزه برای تمکین رضایتمندانه منجر می‌شود. عاطفه دارای یک فرزند می‌گوید:

«در دوران بارداری خیلی تمایلی نداشتم به رابطه، همسرم هم درخواستی نداشت که البته بعداً فهمیدم جای دیگه نیاز خودش رو تأمین می‌کرده. بعد از اومدن بچه هم که خیلی این موضوع تو رابطه تاثیر می‌ذاره و محدود شدیم».

۴-۵-۲. چندوظیفگی مادرانه - شغلی و فشار تمکین

فشار و بار هم‌زمان مدیریت خانه‌داری، مراقبت از فرزندان و تعهدات شغلی زنان را به سطحی از فرسودگی جسمی و روانی می‌رساند که هرگونه درخواست برای رابطه جنسی را به عنوان یک تکلیف اضافی و اضطراب‌زا تجربه می‌کنند. این خستگی مفرط، اولویت‌بندی مجدد نیازها را به سمت استراحت و بازیابی انرژی سوق می‌دهد و رابطه زناشویی را به انتهای فهرست اولویت‌ها تنزل می‌دهد. مریم ۴۲ ساله و دارای یک فرزند می‌گوید:

«... فشار روانی زیادی روی زن هست. مسئولیت مادری و بچه‌داری و کار خونه و کار بیرون..... زن‌ها مجبورند هم بچه و هم شوهر رو یعنی دو طرف رو راضی نگهدارن. اما مرد عصبانی می‌شه و خودش رو درباره بچه مسئول نمی‌دونه».

۵-۵. توازن در مشارکت زناشویی

مشارکت زناشویی زمانی به رضایت و پویایی مطلوب می‌رسد که دو طرف احساس کنند بار مسئولیت‌ها و حقوق جنسی، مالی و عاطفی به شکلی منصفانه و متوازن تقسیم شده است. در این چارچوب، نه تنها مبادله حقوق و تکالیف مالی و جنسی به تدوین توافقات شفاف منجر می‌شود که از سوء تفاهم‌ها و احساس کالایی شدن رابطه جلوگیری می‌کند، بلکه هم‌افزایی عاطفی نیز با تقویت همدلی و درک متقابل، فضایی ایمن و حمایتگر ایجاد می‌کند تا نیازهای هر دو شریک به طور متقابل و بدون فشار برآورده شود.

۵-۵-۱. مبادله حقوق و تکالیف جنسی - مالی

برخی از زنان مورد مطالعه تمکین را تکلیف برای زن و در برابر آن نفقه را تکلیفی برای مرد می‌دانند، این تعبیر آنجایی که همراه می‌شود با تعبیرهای اعتراضی بی‌توجهی شرع به عواطف زنان می‌تواند صمیمیت و لذت را تحت‌الشعاع قرار دهد. در این ساختار، نیاز به شفاف‌سازی انتظارات و گفت‌وگوی مستمر برای جلوگیری از احساس کالایی شدن رابطه برجسته می‌شود.

عاطفه ۱۳ سال است از دواج کرده و می‌گوید در دادگاه از نظر حقوقی با تمکین آشنا شده است، او درباره تمکین می‌گوید:

«هر زمان مرد نیاز جنسی داشته باشد زن وظیفه داره پاسخگو باشه، پس باید زن برای رفتن سر کار یا هر جایی از همسرش اجازه بگیره و مطمئن باشه که الان همسرش نیاز جنسی نداره و مرد این حق رو داره که اگر زن تمکین نکنه نفقه نده، حتی می‌تونه زن رو طلاق بده».

۵-۵-۲. هم‌افزایی عاطفی و توازن نیازها

وجود همدلی، اعتماد و درک متقابل زمینه را برای تجربه مشترک و رضایتمندانه فراهم می‌کند؛ جایی که تمکین نه یک تکلیف، بلکه واکنشی طبیعی به احساس امنیت روانی و عشق است. به نظر می‌رسد توجه به نیاز جنسی در کنار سایر غرایز نگاهی است که می‌تواند به داشتن یک رابطه بهتر کمک کند. سهیلا دارای تحصیلات حوزوی و دانشگاهی در این باره می‌گوید:

«رابطه جنسی، تنها رابطه‌ای است که فقط بین زن و شوهر اتفاق می‌افتد و هیچ بستر دیگه ای نداره. پس به نظرم هم مهمه و هم در بقای زندگی زناشویی مهمه. اما نباید همه زندگی رو به اون گره زد این هم یک بخشی از زندگی مشترک زن و شوهر هست که مثل بقیه امور زندگی مشترک باید براش نقشه داشت».

تبیجه گیری

یافته‌های این پژوهش بیان‌گر این است که زنان تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، فرهنگی و فردی قرار دارند که شکل‌دهنده‌ی تجربه‌ی تمکین جنسی‌شان است. انتظارات درونی شده درباره‌ی وظایف همسری و مادری، همراه با هنجارهای فرهنگی و مذهبی که از طریق رسانه و تقابل نسلی آموخته شده‌اند، فشار روانی قابل توجهی به زنان وارد می‌آورد. این فشار گاهی با احساس گناه و اضطراب همراه است و می‌تواند رضایت و تمایل واقعی را تحت تأثیر قرار دهد. مشکلات ارتباطی بین زوجین پیرامون نیازهای عاطفی و جنسی و مردانه بودن عرفی ارضای جنسی، نقطه‌ضعف دیگری بود که بسیاری از زنان به آن اشاره کردند. ناتوانی در اظهار تمایلات فردی و مرسوم نبودن گفتگوی جنسی بین زوجین باعث سرخوردگی و سردی روابط می‌شود؛ در مقابل، برخی از این زنان تجربه کردند که داشتن نگاه مثبت، طبیعی و نه افراطی به تمکین و گفت‌وگوی صادقانه با همسر، فضای اطمینان‌بخش‌تری برای بیان خواسته‌ها و نیازها ایجاد می‌کند. شرایط محیطی و فیزیکی، از جمله کمبود حریم خصوصی و خستگی ناشی از چندوظیفگی شغلی و مادری، تغییرات فیزیولوژیکی زنان و همسرانشان که به شکل دردهای قاعدگی، بارداری در زنان و تغییر مزاج در مردان خود را نشان می‌دهد بار سنگینی بر دوش زنان گذاشته است. این محدودیت‌ها در برخی موارد منجر به احساس ناتوانی در پاسخ‌گویی به انتظارات جنسی می‌شود و گاهی میل به خودمحدودسازی را تقویت می‌کند. در عین حال، زنانی که دست کم مقادیری از زمان و فضا برای خود مدیریت می‌کنند، تمایل و رضایت جنسی‌شان به‌طور محسوسی افزایش یافته است. هم‌زمان، تعدادی از مصاحبه‌شوندگان تجربه کردند که همدلی و ارتباط عاطفی عمیق با همسر، مهم‌ترین محرک برای تمایل متقابل است. وقتی اعتماد و امنیت روانی وجود دارد، ارتباط جنسی به عنوان نمادی از نزدیکی عاطفی و نه صرفاً یک تکلیف دیده می‌شود.

توانمندسازی و آموزش مستقیم زوجین در مهارت‌های ارتباطی و ایجاد حریم خصوصی در خانه، می‌تواند گامی مؤثر در افزایش رضایت و توازن باشد. محدودیت اصلی تحقیق تابو بودن صحبت از مسائل جنسی در فرهنگ مخاطبین و عدم حضور دیدگاه مردان بود. پژوهش‌های آینده می‌توانند با گسترش جغرافیایی، روش‌های طولی و درگیر کردن همسران، پویایی‌های تمکین را عمیق‌تر بررسی کنند.

با توجه به یافته‌های این پژوهش موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

- اصلاح محتوای آموزشی کلاس‌های پیش از عقد و طراحی اردوهای آموزشی جذاب برای آموزش زوجین.
- ورود اساتید و فقها به بحث تبیین تمکین و پاسخ دادن به سؤالات، چالش‌ها و نیازهای جامعه و آگاه‌سازی زوجین.
- اصلاح سرفصل‌ها و به‌یاد دادن به واحدهای درسی عمومی به جهت ایجاد شناخت عمیق از هدف زندگی و مسئولیت انسان و ترویج آداب اسلامی مبتنی بر حقوق زوجین در اسلام.
- فرهنگ‌سازی در خصوص مراجعه به مشاور برای حل مسائل زناشویی و توسعه مراکز مشاوره متعهد و متخصص تحت پوشش بیمه.

منابع

- ◀ آزاد ارمکی، تقی، و گزلی زاده، حسن (۱۳۹۱). «مناسک و رفتارهای دینی در بین دانش آموزان». انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۸(۲۷)، ۱۲-۳۶.
- ◀ اکبری، محمود (۱۳۹۰). نگاهی به فلسفه احکام. قم. نشر فتیان. چ اول.
- ◀ انصاری، مرتضی (۱۴۲۰). کتاب المکاسب. قم، دار الذخائر.
- ◀ بوستانی، داریوش، و محمدپور، احمد (۱۳۸۸)، «بازسازی معنایی جهت‌گیری جنسیتی پسران نسبت به دختران»، مطالعات راهبردی زنان، ۱۱(۴).
- ◀ ثمنی، لیلا، مهریزی، مهدی، و فتاحی، سید محسن (۱۳۹۶). «فرزندآوری مقتضای اطلاق عقد نکاح». پژوهش‌های فقهی، ۱۳(۴)، ۷۶۷-۷۹۳.
- ◀ جلائی پور، حمیدرضا، و گرامیان نیک، محمد (۱۳۹۰). نگاهی به مدرنیته در ایران از دریچه روابط شخصی؛ ارزیابی مفهوم «رابطه ناب» گیدنز، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۰، ۵۲-۱۹.
- ◀ خوئی، سید ابوالقاسم (بی تا). کتاب النکاح. قم، مدرسه دارالعلم.
- ◀ رجیبی شکیب، محمدرضا (۱۳۹۷)، «تمکین یعنی چه؟ می‌خواهم بیشتر بدانم/ رابطه جنسی - خوب/۹۷» تمکین - یعنی چه - drshakib.ir.
- ◀ رحیمی ثابت، فاطمه، وفتاح، احمد رضا (۱۳۹۷)، «چگونگی تحول مفهوم ازدواج در کلیسای کاتولیک و چالش‌های پیش رو»، معرفت ادیان، ۲(۳۴)، ۹۳-۱۱۰.
- ◀ زینتی، علی (۱۳۸۴). «ازدواج در اسلام و مسیحیت»، مطالعات راهبردی زنان، ۲۲۷، ۲۷-۱۹۷.
- ◀ سبحانی، جعفر (۱۳۷۹). «مکتب لذت‌گرایی در چهره‌های گوناگون کلام اسلام»، کلام اسلامی. ش. ۳۴.
- ◀ سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۳). «عرفی شدن دین». کلام اسلامی. ش ۴۹.
- ◀ شفیق‌آبادی، عبدالله، و ناصری، غلامرضا (۱۳۸۵). نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی، تهران، نشر دانشگاهی.
- ◀ عاملی، شهید ثانی، و زین‌الدین بن علی (۱۴۱۲). الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية. قم، تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ◀ عربیان، نسرین (۱۳۸۸). «خانواده در غرب و مقایسه آن با اسلام». فصل‌نامه علوم اجتماعی. ۱(۵).
- ◀ علاسوند، فریبا (۱۴۰۲). «نظریه جندر و اثرات نامطلوب آن بر خانواده در مقیاس جهانی». مطالعات جنسیت و خانواده. ۱۱(۲)، ۷۷-۱۰۷.

- ◀ غیاثوند، احمد، و اسدی، سیده سارا (۱۳۹۸). «روایت زنان متأهل شهر کرمانشاه از تداوم زندگی زناشویی»، زن در توسعه و سیاست، ۱۷(۲)، ۱۹۳-۲۲۱.
- ◀ فروتن، سیدکاظم، و اخوان تقوی، محمدحسین (۱۳۹۰). «بررسی نقش سلامت جنسی در خانواده ایرانی قضاوت». فصلنامه وزارت دادگستری تهران (۷۱)، ۲۸-۳۳.
- ◀ قنبرپور، بهنام، و نقیبی سید ابوالقاسم (۱۳۹۱). «شرط عدم تمکین در عقد نکاح در فقه امامیه و اهل سنت». فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۴(۱۲ و ۱۳).
- ◀ گیدنز، آنتونی (۱۹۹۰). پیامدهای مدرنیته. مترجم: محسن ثلاثی. تهران، نشر مرکز.
- ◀ مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴). کتاب النکاح. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع). ج ۷.
- ◀ مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). بررسی طرق فرار از ربا. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
- ◀ محمدی، مرتضی (۱۳۸۳). «تمکین؛ قدرت زنان یا خشونت مردان»، مطالعات راهبردی زنان، ۲۳.
- ◀ محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۵). بررسی فقهی حقوق خانواده، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- ◀ محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶). قواعد فقهی. تهران. مرکز نشر علوم اسلامی.
- ◀ مطهری، مرتضی. آشنایی با علوم اسلامی ۳. تهران، انتشارات صدرا.
- ◀ موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸)، ترجمه تحریرالوسیله، ج ۲، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ◀ موسوی خمینی، روح‌الله (۱۴۲۱). کتاب البیع. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی چاپ اول.
- ◀ نجفی، محمدحسن (۱۳۷۴). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، چاپخانه اسلامی، چاپ سوم.
- ◀ هندی، فاضل (بی تا). کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام. قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
- ◀ همیلتون، ملکم (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی دین، مترجم محسن ثلاثی. تهران، نشر ثالث.
- ◀ همتی، همایون (۱۳۷۵). «اندیشه دینی و سکولاریزم در جهان معاصر». قیاسات، ش ۱.
- ◀ یارمحمدی، مریم (۱۳۹۳). «بررسی حدود تمکین زوجه در فقه و حقوق و مسائل مستحدثه» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اصول الدین مرکز قم.

- Smith, jonathan A. (2024). *Qualitative Psychology*: p25.
- Moustakas, Clark. (1994). *Phenomenological Research Methods*: p32.
- Smith, J.A. Flowers, P. & Larkin, M. *Interpretative Phenomenological Analysis: Theory Method and Research*, London: Sage, 101-82.